

دکتر دانیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲۱، دعا برای کلیسای وفادار، افسسیان ۱: ۱۵-۲۳

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۲۱، دعا برای کلیسای وفادار، افسسیان ۱: ۱۵-۲۳ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد افسسیان خوش آمدید.

ما به پیشینه نگاه کردیم و بخش‌هایی از فصل ۱ را پوشش دادیم. حالا به بخش دوم فصل ۱ افسسیان می‌رویم. فقط امیدوارم وقتی این را بررسی می‌کنیم، شما یک متن یا عهد جدید را انتخاب کنید، یا اگر کتاب مقدس شما یک کتاب مقدس مطالعاتی است، آن را جلوی خود باز کنید تا همانطور که من می‌خوانم، اگر ترجمه متفاوتی دارید، بتوانید نگاهی به ترجمه بیندازید و به موضوعات مختلف بپردازیم. طبق معمول می‌خواهم ذهن شما را مشغول کنم، پس بیاوید در مورد این فکر کنیم.

وقتی به دعای افسسیان از فصل ۱ آیه نگاه می‌کنیم، در افسسیان چه فکر می‌کنید؟ وقتی به دعای افسسیان از فصل ۱، آیات ۱۵ تا ۲۳ نگاه می‌کنیم، در افسسیان چه فکر می‌کنید؟ به نظر شما چه چیزی پولس را وادار کرد تا برای کلیسا دعا کند؟ شاید این همان چیزی باشد که می‌خواهید به متن خود نگاهی بیندازید و در مورد آنچه فکر می‌کنید در حال وقوع است، فکر کنید. پولس چه چیزهای خاصی در مورد کلیسا شنید که باعث دعا شد؟ ویژگی‌هایی که او ذکر می‌کند، همانطور که ما دنبال می‌کنیم، تا چه حد در میان مؤمنانی که می‌شناسید، حتی امروز نیز مشهود است؟ من همین الان در اوایل فصل ۱ به شما اشاره کردم که پولس این دعای نفس‌گیر را داشت. متبارک باد خدا که ما را با هر نعمت معنوی برکت داده است، و او واقعاً نشان داد که خدا برای این کلیسا چه کاری انجام داده است.

اما در اینجا، او از آن شکرگزاری و آن نیایش حرکت می‌کند و سپس به سمت نشان دادن یا شروع دعا کردن برای پرداختن به دعا در این زمینه می‌رود. همانطور که این سخنرانی‌ها را دنبال می‌کنید، من عمداً سعی کرده‌ام چیزهایی را که اغلب در نوشته‌های پولس در مورد آنها صحبت نمی‌کنیم و شما می‌خواهید در مورد آنها فکر کنید - زندگی دعایی پولس - به شما یادآوری کنم.

به نحوه بیان این جمله در آیه ۱۵ توجه کنید. به همین دلیل، چون از ایمان شما به خداوند عیسی مسیح و عشق شما به همه مقدسین شنیده‌ام، از شکرگزاری برای شما باز نمی‌ایستم و در دعاهایم شما را به یاد می‌آورم تا خدای خداوند ما عیسی مسیح، پدر جلال، روح حکمت و وحی را در شناخت خود به شما عطا کند، و چشمان قلب شما را روشن سازد تا بدانید امیدی که شما را به آن فراخوانده است چیست، ثروت میراث باشکوه او در مقدسین چیست، و عظمت بی‌حد و حصر قدرت او نسبت به ما که ایمان داریم، بر اساس اعمال قدرت عظیم او، که در مسیح عمل کرد، هنگامی که او را از مردگان برخیزانید و او را در دست راست در جای‌های آسمانی نشانند، بسیار بالاتر از هر حکومت و اقتدار و قوت و سلطنت، و بالاتر از هر نامی که نه تنها در این عصر، بلکه در عصر آینده نیز. من از دعا برای شما باز نمی‌ایستم، پولس می‌نویسد.

اگر پولس اغراق نمی‌کند و واقعاً برای کلیساهایی که برایشان می‌نویسد دعا می‌کند، حتی در رساله‌های زندان ممکن است متوجه شوید که او چند بار برای کلیسا دعا می‌کند و اشاره می‌کند که همیشه دعا می‌کند. در کولسیان، او می‌گوید که درباره ایمان آنها به خداوند عیسی مسیح و عشقشان به مقدسین شنیده است. این او را تشویق می‌کند که برای آنها دعا کند.

در رساله فلیمون، او می‌گوید که از ایمان فلیمون به عیسی مسیح و عشق او به همه مردم شنیده است و این او را تشویق می‌کند که او را در دعا ننگه دارد. در اینجا، او می‌گوید، از زمانی که از ایمان آنها به خداوند عیسی مسیح و عشق آنها به مقدسین شنیده است، به الگو نگاه کنید؛ او متوقف نشده است؛ او از دعا برای آنها دست نکشیده است. این روحیه رهبری است که بین دو تا سه سال در همان زمینه‌ای که این مسیحیان هستند کار کرده است، زمینه و چالش‌هایی را که با آن روبرو هستند درک می‌کند و رهبری است که دعا برای کلیسا را بر خود فرض می‌داند.

او شنید. بیایید کمی به مناسبت این دعا نگاه کنیم. شاید این به ما کمک کند.

این دعا به خاطر آنچه پولس شنیده بود، برانگیخته شد. به یاد داشته باشید، او ندیده بود، شنیده بود، و وقتی این را شنید، به آن ایمان آورد زیرا کلیسا را به عنوان ایمانداران در مسیح عیسی، قابل اعتمادها، و مورد اعتمادها در مسیح عیسی معرفی کرد. بنابراین وقتی درباره آنها شنید، دانست که این حقیقت دارد.

او درباره ایمان آنها به خداوند عیسی مسیح شنید. این کلمه می‌تواند به معنای اعتماد آنها به خداوند عیسی مسیح باشد. وقتی از کلمه ایمان استفاده می‌کنیم، گاهی اوقات معنی و جوهره کلمه ایمان را نادیده می‌گیریم.

ایمان، در متن عهد جدید، به معنای تأکید و اعتماد است. ایمان تنها به معنای باور عقلانی به حقیقت داشتن چیزی نیست، بلکه به معنای باور عقلانی به حقیقت داشتن چیزی است تا جایی که فرد بتواند زندگی خود را به آنچه که به آن ایمان داشته است، بسپارد، یا آماده باشد بدون هیچ قید و شرطی به آنچه که از نظر عقلانی به آن ایمان داشته است، متعهد شود.

وقتی در مدرسه‌ی علوم دینی بودم، یکی از اساتیدم مثالی زد. این مثال خوبی نیست، مخصوصاً وقتی با رساله‌ی افسسیان سر و کار داریم، اما به توضیح مفهوم ایمان در عهد جدید کمک می‌کند. او این را اینگونه بیان کرد.

مثل این است که یک جادوگر وارد شود، یک گاو بزرگ را بردارد، سر گاو را جلوی جمعیت از تنش جدا کند در حالی که خون می‌ریزد، سر گاو را یک طرف و بقیه بدن گاو را طرف دیگر قرار می‌دهد. و یک جادوگر جادو می‌کند و می‌گوید، صبر کنید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد.

او می‌گوید، هی گاو، سر، بیا و به بقیه بدن بچسب. و سپس سر گاو از آن گوشه بالا و پایین می‌پرد و به گردن گاو، جسد در طرف دیگر، می‌چسبد. گاو بلند می‌شود و می‌رود، اگر آن جادوگر بپرسد، اگر من کسی را بکشم، آیا می‌توانم آن شخص را به زندگی برگردانم؟ احتمالاً برخی از مردم می‌گویند، اوه بله، او زندگی را گرفت و آن را برگرداند.

اگر کسی معتقد بود که اگر جان کسی را بگیرد یا سر کسی را به همان روش قطع کند، می‌تواند آن شخص را به زندگی بازگرداند، آن شخص به جادوگر اعتقاد دارد. به تعبیر عهد جدید، این صعود، مسیر فکری اعتقاد است. با این حال، مسیر دوم این است.

اگر جادوگر پرسید چه کسی برای کشتن آن شخص جلو می‌آید، سر را به یک طرف قرار دهید، بقیه بدن را به آن طرف قرار دهید، همان مراسم را انجام دهید و بگذارید سر به بقیه بدن برخورد کند و بگذارید آن شخص بلند شود و بگوید، بله، چه کسی جلو می‌آید؟ کسی که آماده است تا برای کشتن جادوگر جلو بیاید، کسی است که به جادوگر اعتماد دارد. در درک عهد جدید از ایمان، این دو مؤلفه حیاتی هستند. حال، بله با توجه به مثال جادوگری که همین الان برایتان آوردم، ممکن است برخی بگویند ما معتقدیم که او می‌تواند

جان را بگیرد و آن را بازگرداند، اما من جلو نمی‌روم و از آن جادوگر نمی‌خواهم که مرا بکشد و مرا به زندگی بازگرداند.

یعنی من به آن جادوگر ایمان ندارم. اما اگر ایمان دارید که عیسی مسیح برای گناهان شما مرد، او شما را برگزید، شما را نجات داد و شما را از نظر فکری مُهر کرد. ایمانی که پولس درباره آن شنیده است، ایمان این کلیسا است که می‌گوید آنها نه تنها از نظر فکری ایمان دارند، بلکه تمام زندگی خود را به مراقبت خداوند عیسی مسیح سپرده‌اند.

او درباره ایمان آنها به خداوند عیسی مسیح، اعتمادشان به او و آمادگی‌شان برای سپردن زندگی‌شان به دست او شنید، و همچنین درباره عشق آنها به مقدسین شنید. از نظر رابطه، آمادگی و تمایل آنها برای دوست داشتن یکدیگر. شاید باید مکث کنم و بگویم این کلیسای است که پولس قرار است در مورد وحدت در آن صحبت کند.

یکی از عناصر اصلی وحدت، عشق است. عشقی که در درک مسیحی از عشق، هیچ چیز را پنهان نمی‌کند. عشق مبتنی بر شرایط یا جایگاه یا روابط خونی یا قبیله‌ای نیست، بلکه عشقی است که به اندازه کافی بزرگ باشد تا به همه برسد.

پولس گفت، از زمانی که از ایمان شما به خداوند عیسی مسیح و عشق شما به مقدسین شنیدم، از شکرگزاری و دعا برای شما دست نکشیده‌ام. وای، این مرا به یاد چیزی می‌اندازد که باید توجه شما را به آن جلب کنم، زیرا نمی‌توانم در طول مطالعات افسسیان متوقف شوم تا ذره ذره آن را به شما نشان دهم، اما کلمه عشق که در اینجا ذکر شده است، چندین بار در این نامه به عنوان یک موضوع ظاهر می‌شود. من شما را تشویق می‌کنم که وقت خود را برای بررسی آنها صرف کنید.

گاهی اوقات، گفته‌ام که اگر کتاب مقدسی که استفاده می‌کنید متعلق به شماست، زیر برخی از این کلمات با رنگ خاصی خط بکشید و از آن رنگ برای مطابقت با ظاهر آن کلمه خاص در سراسر کتاب استفاده کنید. در مورد عشق متوجه خواهید شد که در واقع موضوع عشق به مقدسین توسعه داده خواهد شد و می‌بینید که پولس در واقع به عشق خدا اشاره می‌کند.

برای مؤمنان در فصل ۲، آیه ۴، فصل ۳، آیه ۱۷، و فصل ۶، آیه ۲۳. همچنین خواهید دید که او در فصل ۳، آیه ۱۹ به عشق مسیح به مؤمنان نیز خواهد پرداخت.

او همچنین در فصل ۶، آیه ۲۴ به عشق ایماندار به مسیح اشاره خواهد کرد و سپس خواهید دید که او چند بار از کلمه عشق برای صحبت در مورد رابطه‌ای که باید در میان پیروان مسیح عیسی آشکار باشد استفاده می‌کند. عشق همان چیزی است که خدا را بر آن داشت تا پسرش را بفرستد تا آن بهای سنگینی را که در سخنرانی‌های قبلی به آن اشاره کردم، پردازد. فکر می‌کنم آن نقل قول را به خاطر دارید.

من آن نقل قول معروف را به یاد دارم. زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود، بلکه حیات جاودان یابد. یوحنا ۳:۱۶.

بله، اما اول یوحنا ۳:۱۶ هم همین را می‌گوید، وقتی که درباره عشق صحبت می‌کنیم. این عشقی است که یک مرد جان خود را برای دوستانش می‌دهد. پولس گفت من از ایمان و عشق شما به مقدسین شنیده‌ام.

قرار است در این نامه به موضوع عشق پرداخته شود و نشان داده شود که چگونه عشق، عشق حقیقی می‌تواند به ایجاد همبستگی یا آنچه من گاهی اوقات انسجام درونی در جامعه ایمانی می‌نامم، کمک کند. اجازه

دهید مکث کنم و سوالی بپرسم. احتمالاً تا این لحظه از خود پرسیده‌اید که چرا این مرد دوست دارد انواع و اقسام سوالات را از من بپرسد. بله، من دوست دارم که با هم فکر کنیم، و واقعاً آرزو می‌کردم که حتی از نظر فیزیکی در کلاس درس با هم بودیم. بنابراین، بیایید این سؤال را بپرسیم. پولس برای چه چیزها یا زمینه‌هایی برای کلیسا دعا می‌کند و چرا فکر می‌کنید این موارد برای جایگاه ایمانداران در دنیایی که با چالش‌های متعددی روبروست، ضروری هستند؟ در مورد آن فکر کنید.

فقط لحظه‌ای مکث کنید و به حوزه‌هایی که پولس مطرح خواهد کرد فکر کنید. با نگاهی به آیه ۱۶، متوجه می‌شوید که پولس با درخواستی برای کلیسا شروع می‌کند. در این درخواست برای کلیسا، او دو حوزه کلیدی را برجسته می‌کند.

این پاراگراف را اصلاح کنید

او برای روشنی دعا می‌کند، و برای دانش دعا می‌کند. پس اجازه دهید نگاهی به آیات ۱۶ تا ۱۹ الف بیندازیم. تا ذهنمان تازه شود و بتوانیم آنچه پولس در مورد دعای روشنی در آیه ۱۶ می‌گوید را باز کنیم.

من از شکرگزاری برای شما باز نمی‌ایستم و در دعاهایم شما را به یاد می‌آورم تا خدای خداوند ما عیسی مسیح، پدر جلال، روح حکمت و وحی را در خود به شما عطا کند. چشمان قلبتان را روشن کرده‌ام تا بدانید. امیدی که شما را به آن فراخوانده است چیست، و ثروت میراث باشکوه او در مقدسین چیست.

بگذارید به شما هشدار بدهم که اگر بچه دارید و این را تماشا می‌کنید، برخی از مثال‌های من کمی ترسناک خواهد بود. شاید در مقطعی، آنها را در عرض چند دقیقه از آنجا دور کنید زیرا من به شما نشان خواهم داد. می‌خواهم آن را تا حد امکان واضح بیان کنم تا بتوانید این را درک کنید: دعای روشن بینی در دعای پولس برای کلیسا و دعای روشن بینی که او لمس می‌کند، به طور خاص دعا می‌کند که خدا به آنها روح دانش و حکمت بدهد تا او را بشناسند.

پولس می‌خواست که آنها بتوانند آن دانش را داشته باشند زیرا دانش قدرت است. به دلیل فقدان دانش مردم هلاک می‌شوند و به دلیل فقدان دانش، مردم در ترس زندگی می‌کنند. تصور کنید که یک گنج بزرگ در اتاق خواب خود، زیر آن کفپوش چوبی که به خوبی صیقل داده شده و هنوز هم هست، پنهان شده است. زیرا شما نمی‌دانید که آنجا پنهان شده است.

شما نگران و افسرده هستید، چون به خاطر کمبود دانش، بدهکارید. ممکن است بدون دانستن اینکه روی چه چیزی خوابیده‌اید، سردرد بگیرید. پولس دعا می‌کند که آنها دانش لازم برای دانستن آنچه دارند را داشته باشند، زیرا این باید تغییری ایجاد کند.

و او دعا می‌کند که در جستجوی دانش، روح دانش و خرد برای شناخت مسیح، چشمانشان، چشمان قلبشان باز شود. و در اینجا باید مکث کنم و بگویم که ترجمه خود را کمی بررسی کنید زیرا برخی از ترجمه‌ها نمی‌دانند چگونه این عبارت ناخوشایند را در چشمان قلب شما مدیریت کنند. بنابراین، آنها می‌گویند چشمان قلب شما

اما در زبان یونانی، «چشم» جمع «قلب» مفرد است. عبارت عجیبی نیست؟ بچه‌ها را بیرون کنید، و بگذارید برایتان مثال بزنم. تصور کنید، تصور کنید پولس سعی دارد در مورد «چشمان قلب» چه بگوید.

تو قلب داری، و چشم‌هایی داری که از قلب بیرون می‌آیند

، بعضی از شاگردانم می‌گویند این ترسناک است. بنابراین، من نمی‌خواهم شما انواع و اقسام خواب‌ها را ببینید، هرچند شما را تشویق می‌کنم که در خداوند قوی و استوار بمانید. بیایید به زبانی که پولس در اینجا استفاده می‌کند و معنای «دل» در دنیای او پردازیم

قلب به معنای واقعی کلمه یک اندام فیزیکی است، اما این کلمه به صورت استعاری برای اشاره به جایگاه استدلال اخلاقی یا زندگی فکری به کار می‌رود. قلب جایگاه احساسات، عواطف یا اراده است. از نظر کاربرد، کلمه قلب در کتاب مقدس، گاهی اوقات این کلمه برای اشاره به جایگاه احساسات یا عواطف به کار می‌رود، همانطور که در تثنیه ۴۷:۲۸ یا مزمور ۳۴:۱۸ می‌بینیم.

گاهی اوقات، وقتی کلمه قلب در یک آزمون کتاب مقدسی استفاده می‌شود، به محل سکونت الهی یا خدا اشاره دارد، جایی که خدا در قلبش ساکن است. به عبارت دیگر، فرد به خدا اجازه می‌دهد تا در درونی‌ترین وجودش ساکن شود و کلمه قلب برای بیان آن استفاده می‌شود. گاهی اوقات، از آن برای اشاره به جایگاه رفتار مذهبی یا اخلاقی استفاده می‌شود، قلبی که اخلاق و اصول اخلاقی از آن سرچشمه می‌گیرد و خود را در زندگی واقعی ابراز می‌کند.

آیا ممکن است که پولس در حال فکر کردن به دعا باشد که خداوند قلب این مؤمنان، چشمان قلب این مؤمنان را روشن کند تا آنها بتوانند آن درجه بالای روشنی، تشویق و تمام حس وجود و احساس خود را پر از نور کنند؟ به عنوان مثال، ما متون باستانی داریم که نشان می‌دهد وقتی برخی از این اشارات در محافل مذهبی استفاده می‌شوند، مردم چیزهایی مانند این می‌گویند، چیزهای خاصی وجود دارد که شما با چشمان خود نمی‌بینید، اما می‌توانید برخی از چیزهای معنوی را با قلب خود ببینید. برخی در مورد توانایی درک واقعی برخی چیزهای معنوی، نه با چشمان فیزیکی، بلکه با چشمان معنوی یا قلب صحبت می‌کنند.

به همین دلیل است که من و برخی دیگر از محققان احتمالاً می‌گوییم که پولس دعا می‌کند که مرکز، جایگاه احساسات و زندگی اخلاقی آنها چنان روشن و نورانی شود که بتوانند خوبی‌های مسیح را ببینند و تشخیص دهند. اگر چنین است، پولس دعا می‌کند که هر تاریکی که جایگاه احساسات آنها را می‌بلعد، هر تاریکی که الهام‌بخش رفتار اخلاقی منجر به زندگی تاریک می‌شود، از بین برود، زیرا روح خدا چشمان قلب آنها را روشن می‌کند و به آنها توانایی می‌دهد تا چیزها را آنطور که مسیح می‌خواهد ببینند. او از کلیسا درخواست روشننگری می‌کند.

دومین نکته برای درخواست کلیسا، آگاهی از این است که آنها، همانطور که او دعا می‌کند، امید دعوت خود را بشناسند. برای پولس، امید، باز هم، سکون است؛ من اینجا می‌گویم: این چیزی نیست که شما در مورد آن مطمئن نباشید. این چیزی است که ملموس است، چیزی که برای درک شما وجود دارد.

تا خدا چشمانشان را، قلب چشمان دلشان را، بگشاید تا با یقین امید به رسالتشان را، آنچه به آن فراخوانده شده‌اند، امید به میراثی که در آیات ۱۳، ۱۴ و ۱۵ درباره‌اش می‌خوانیم، بشناسند. او دعا می‌کند که تا ثروت را بشناسند. من کلمه پلوتوس را دوست دارم.

من این کلمه را دوست دارم چون کلمه «ثروت میراث باشکوه او در گناهان» چندین بار در افسسیان آمده است. منظورم از ثروت، میراث باشکوه او برای گناهان است که فراوان است. خدا انبار محدودی ندارد.

او دعا می‌کند که مؤمنان بدانند خدا چه چیزی برایشان دارد. زیرا اگر بدانند خدا چه چیزی برایشان دارد، حسادت نخواهند کرد و به چیزهای کوچک اطرافشان جذب نخواهند شد.

آنها خواهند دانست که به خدای بزرگ خدمت می‌کنند که منابع عظیمی از جانب آنها در اختیار دارد. و آنها زندگی در نوری را آغاز خواهند کرد که در آن تاریکی دیگر قلب یا احساساتشان را اشغال نخواهد کرد. جایی که زندگی آنها دیگر با تاریکی در هم نخواهد ریخت، بلکه روشن خواهند شد تا برای جلال خدا زندگی کنند و برای دانش دعا کنند.

او همچنین دعا می‌کند که آنها به عظمت قدرت خدا پی ببرند. او به، این یکی از دعا‌های مورد علاقه من است که آنها به عظمت قدرت خدا پی ببرند.

و وقتی می‌گویند که آنها عظمت قدرت خدا را بشناسند، می‌گویند که دعا می‌کند تا آنها عظمت قدرت خدا را بشناسند. همان قدرتی که در مسیح عیسی در کار بود. به عبارت دیگر، این یک مسئله‌ی معادل‌سازی است.

این را بگویم، کاش آنها عظمت قدرت خدا را می‌دانستند. قدرتی که در مسیح عیسی در کار است. قدرتی که برای آنها نیز قابل دسترسی است.

آن وقت متوجه می‌شوند که وقتی درباره قدرت‌های معنوی و از این قبیل چیزها صحبت می‌شود، هیچ چیز قابل مقایسه نیست. اما چون نمی‌دانند، ممکن است در ترس از آنچه این خدایان بت‌پرست به سمتشان پرتاب خواهند کرد، زندگی کنند. اینکه جادو یا طالع‌بینی چه چیزی را به سمتشان خواهد آورد.

و ببینید چطور بیان شده است. بیایید آن را از آیه ۲۰ بخوانیم. من عاشق این هستم.

خدا این قدرت را در مسیح به کار انداخت. هنگامی که او را از مردگان برخیزانید و در دست راست خود در جای‌های آسمانی نشانید.

می‌بینید وقتی این قدرت در حال کار بود، این همان چیزی است که برای مسیح اتفاق افتاد. او او را بسیار بالاتر از هر ریاست، اقتدار، قدرت و سلطه‌ای قرار داد. و بالاتر از هر نامی که نامیده می‌شود.

نه تنها در این عصر، بلکه در عصر آینده نیز. و همه چیز را زیر پای او نهاده است. و او را سرپرست همه چیز برای کلیسا قرار داده است.

که همان بدن اوست. پری او که همه چیز را در همه پر می‌کند. وای.

وای. تا آنها عظمت قدرت خدا را بدانند. و این همان قدرتی است که در مسیح عیسی کار می‌کرد.

او سعی دارد چه کاری انجام دهد؟ او سعی دارد به آنها نشان دهد که اگر به قدرت خدا فکر می‌کنند، نباید به صورت انتزاعی به آن فکر کنند. زیرا قدرت خدا اینگونه به نظر می‌رسد.

و او در این آیات نشان می‌دهد که این قدرت چگونه است. قبل از اینکه به جزئیات آن بپردازم، مرا ببخشید.

وقتی به این بخش قدرت خدا می‌رسیم، آفریقایی درون من آرام می‌گیرد، زیرا من در مناطقی از قاره خودم خدمت و راهنمایی کرده‌ام.

جایی که قدرت‌های معنوی شیطانی یک تهدید واقعی هستند. جایی که مردم از دادن زندگی خود به مسیح می‌ترسند. و من همچنین دیده‌ام که قدرت خدا در کجا بسیار قوی است.

بعضی از کاهنان فتیش وقتی سعی می‌کنیم به شما آسیبی برسانیم به ما می‌گویند ما می‌دانیم که چیزی در اطراف شما وجود دارد و ما نمی‌توانیم فراتر برویم و به شما آسیبی برسانیم.

چه چیز فوق‌العاده‌ای. من عاشق این هستم. و وقتی بعضی از آنها مسیحی می‌شوند

و آنها داستان‌هایی از این قبیل تعریف می‌کنند که چقدر سخت تلاش می‌کنند تا به مسیحیان آسیب برسانند. تا برخی کلیساها را از نظر معنوی نابود کنند. و نتوانسته‌اند موفق شوند.

چون هر وقت می‌خواستند کاری انجام دهند، دعا‌های کلیسا را می‌دیدند. داشت یکی یکی همه چیز را نابود می‌کرد.

و آنها قدرت را دوست دارند. بنابراین، وقتی فهمیدند که قدرتشان نمی‌تواند کارساز باشد، قدرت دیگر را نابود کردند.

آنها فکر می‌کردند شاید. اگر وارد شوند، آن قدرت را نیز به دست خواهند آورد. بنابراین، معمولاً زندگی خود را به مسیح می‌سپارند.

و بعد شروع می‌کنیم به گفتن به آنها. ما به تنهایی هیچ قدرتی نداریم. قدرت در نام عیسی مسیح است.

کاش زندگی‌مان را به او می‌دادیم. قرار نیست او به ما قدرت جادویی بدهد که ولگردی کنیم و خودنمایی کنیم. او کارش را انجام خواهد داد.

او از پس خودش برمی‌آید. فقط همین را می‌توانیم به آنها بگوییم.

اما در حالی که این سوال را مطرح می‌کنم، به این قدرت بزرگ فکر کنید. آیا اشاره به حاکمان، قدرت‌ها و فرمانروایی‌ها به قدرت‌های معنوی شیطانی اشاره دارد؟ این یک بحث در حوزه پژوهش است. آیا پولس قدرت‌های سیاسی، مانند حکومت، را در ذهن دارد؟ بنابراین، برخی از محققان خواهند گفت، می‌دانید، اینها اشاره به قدرت‌های معنوی نیستند.

برخی می‌گویند اینها اشاره به قدرت‌های معنوی شیطانی است. برخی می‌گویند نه؛ اینها اشاره به قدرت‌های سیاسی است. با این حال، اکثر محققان اکنون می‌گویند که اینها اشاره به قدرت‌های معنوی است، زیرا اگر فقط زمینه افسس و مناطق اطراف آن را بدانید، اینها اشاره به قدرت‌های معنوی است.

اما این مرا به سوال سوم می‌رساند. تا چه حد می‌توان بین قدرت‌های معنوی و قدرت‌های سیاسی در جهان یونانی-رومی تمایز قائل شد؟ فکر می‌کنم این سوالی است که محققان اغلب نمی‌پرسند. و می‌خواهم بگویم که اگرچه اشاره به این نام‌ها به قدرت‌های معنوی شیطانی است، اما به معنای کنار گذاشتن قدرت‌های سیاسی نیست.

زیرا رهبران سیاسی همیشه از پشتوانه معنوی برای حکومت خود استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، رهبر سیاسی بودن به معنای عمل کردن با درجه‌ای از حمایت معنوی ادراک‌شده نیز هست. ناگفته نماند که در میان رومی‌ها، سیستمی وجود داشته که در آن حتی امپراتورها دوست داشتند ارباب نامیده شوند یا مورد پرستش قرار گیرند، پرستش شوند.

چیزی که ما آن را پرستش امپراتوری می‌نامیم، در دنیای یونانی-رومی رایج خواهد شد، جایی که مردمانی با قدرت و اقتدار بالا به معنای واقعی کلمه می‌خواهند به دلیل پیوند دین و فرهنگ و اینکه چگونه اعتقاد آنها، به خدایان و قدرت‌ها با چگونگی عملکرد خوب آنها در نقش‌هایشان به عنوان رهبران جامعه مرتبط است مورد پرستش قرار گیرند. بنابراین بله، من می‌گویم که آن فهرست‌ها به قدرت‌های معنوی شیطانی اشاره دارند. اما این را هم اضافه می‌کنم که ممکن است نخواهیم قدرت‌های سیاسی را در دنیای یونانی-رومی مستثنی کنیم.

یک سیاستمدار ممکن است یک طالع‌بین داشته باشد. آنها ممکن است با انواع قدرت‌ها مشورت کنند تا به آنها اجازه دهند خوب عمل کنند. به یاد داشته باشید، هر شهر بزرگی یک خدای حامی داشت.

بنابراین، اگر شما یک رهبر سیاسی هستید، می‌دانید که یک قدرت معنوی نیز بر آن حاکم است. بنابراین، اگر سعی کنیم آن را بیش از حد به حوزه پژوهش بکشانیم، ممکن است این تمایز بیش از حد مورد توجه قرار گیرد. با این حال، این قدرت‌ها هر چه که باشند، خبر خوبی است.

مسیح. مسیح برتر از آنها قرار گرفته است. آنها هیچ قدرتی ندارند.

آنها هیچ قدرتی برای کنترل، خنثی کردن یا دخالت در جایی که مسیح حکومت می‌کند و کسانی که مسیح عبادت خود را انجام می‌دهد، ندارند. آنها باید آرام باشند. و پولس فقط دعا می‌کند که کلیسا عظمت این قدرت خدا را که در دسترس آنهاست، بداند.

شاید باید این را بیشتر توضیح دهم. در دعا‌های پولس برای عظمت قدرت خدا، ابتدا به آیه ۱۹، یعنی میزان بزرگی آن، نگاه می‌کنیم. پولس می‌گوید که این عظمت، عظمت بی‌نظیر قدرت خداست.

نه فقط عظمت، بلکه عظمت بی‌کران قدرت خدا. و این قدرت خدا به این شکل از آیات ۲۰ تا ۲۳ آشکار می‌شود. او قدرت را در مسیح، آیات ۲۰ تا ۲۱، به نمایش گذاشت.

او همه چیز را زیر پای مسیح مطیع ساخت. و به مسیح سر کلیسا را داد. این همان قدرتی است که در واقع در بدن مرده دمیده شد.

وقتی مسیح مُرد، پولس سعی داشت به آنها بگوید که این قدرتی بود که در بدن مرده او عمل کرد و او را به زندگی بازگرداند. این عظمت بی‌نظیر قدرت خداست. و این قدرتی است که نه تنها مسیح را از مردگان برخیزانید، بلکه قدرتی است که او را تعالی بخشید و به او توانایی عروج داد.

وای. وای. او دعا می‌کند که آنها از این قدرت آگاه شوند.

قبل از اینکه بیشتر در مورد اینکه این قدرت در تعالی او و این تصویر مسیح قرار است در فصل بعدی افسسیان چه کاری انجام دهد صحبت کنم، اجازه دهید کمی بیشتر در مورد تعالی توضیح دهم. وقتی در مورد تعالی مسیح صحبت می‌کنیم، پولس اشاره می‌کند که او در دست راست خدا، دست راست اقتدار، نشسته است. در جریان این سخنرانی‌ها، من برای شما توضیح می‌دهم، حتی امروز، در مکان‌هایی مانند آفریقا، چگونه نفر دوم پس از رئیس عالی رتبه در دست راست او می‌نشینند.

دست راست جایگاه قدرت و اقتدار است. راست نماد اقتدار است. عیسی در دست راست خدا در قلمروهای آسمانی، در قلمروهای معنوی، در جهان نادیده نشسته است.

او برتر از هر قدرت معنوی شیطانی قابل تصور است. و نه تنها این، بلکه برای کسانی که از جادو استفاده می‌کنند و به نام‌های جادویی علاقه‌مندند، مسیح برتر از هر نامی است که می‌توان در آسمان یا روی زمین یا زیر زمین نامید. او برتر از همه آنهاست.

به عبارت دیگر، او بر همه آنها قدرت دارد. و انگار این قدرت موقتی است. وای نه

پولس خاطر نشان می‌کند که این قدرت و نمایش این قدرت نه تنها برای این عصر، بلکه برای عصر آینده نیز، خواهد بود. پولس، پولس این آزمون خاص را در قالب دعا انتخاب خواهد کرد. همانطور که ادامه می‌دهد، اشاره‌ای به آنچه که قرار است در فصل دوم انجام دهد، می‌کند.

او در واقع نشان خواهد داد که مسیح از نظر جسمی مُرد. مؤمنان در واقع از نظر روحی در گناهان و خطاهای خود مرده هستند. قدرت، قدرت عظیم خدا، مسیح مرده را زنده کرد، او را زنده کرد و تعالی بخشید.

برای مؤمنانی که به لطف خدا در گناه و خطایا مرده اند، خداوند در واقع آنها را به لطف خود نجات خواهد داد و آنها را با مسیح در مکان‌های بلند خواهد نشانند. و آنها با برادر بزرگتر خود خواهند بود. من برادر بزرگتر را عیسی می‌نامم.

آنها در جای‌های آسمانی با او خواهند بود. به عبارت دیگر، قدرتی که در مسیح کار می‌کند، قدرتی است که برای مؤمنان به مسیح در دسترس است. به همین دلیل است که او دعا می‌کند و امیدوار است که این کلیسا، کلیسای نباشد که به هیچ وجه در دام ترس از قدرت‌های معنوی شیطانی گرفتار شود.

اما این کلیسای خواهد بود که سرشار از دانش در مورد آنچه خدا قادر به انجام آن است و آنچه خدا انجام داده است، خواهد بود. کلیسای وجود خواهد داشت که پر از نور است، توسط روح القدس روشن شده است و پر از تاریکی نیست. زیرا خدایی که آنها را فراخوانده است، خدایی است که تمام این منابع را به آنها داده است.

وقتی به فصل دوم برسیم، خواهید دید که گفتمان چگونه پیش خواهد رفت. اما بیایید سعی کنیم همه اینها را در یک تصویر ببینیم: چگونه درخواست پولس برای کلیسا آشکار می‌شود. می‌بینید که از آیه ۱۶ تا آیه ۲۳، پولس در واقع شروع به دعا برای روشنایی و دانش می‌کند.

وقتی او برای روشنایی دعا می‌کرد، دعا می‌کرد که خدا به کلیسا روح دانش و حکمت عطا کند تا او را بشناسند. او همچنین در دعای روشنایی دعا می‌کرد که خدا واقعاً به آنها عطا کند که چشمان قلبشان باز شود تا در تاریکی غرق نشوند. و سپس، در بخش دوم، در دعای دانش، دعا می‌کند که آنها بدانند، بتوانند امید دعوتی را که مسیح ارائه داده است، بشناسند.

او دعا می‌کند که آنها ثروت، ثروت افتخار او، میراث باشکوه او در مقدسین را بشناسند. و اکنون دعا می‌کند! که آنها عظمت قدرت او را بشناسند. وای

می‌بینید، کارآمدی از همان ابتدا کلیسا را آماده می‌کند تا اگر ترس آنها را فرا گرفته است، بتوانند آرامش پیدا کنند. پولس زمینه را برای ادامه فصل دوم، فصل سوم فراهم می‌کند و سپس در فصل چهارم، می‌تواند آنها را به مسئولیت اخلاقی فرا بخواند و فصل اول را به پایان برساند. اجازه دهید توجه شما را به کاری که پولس در اینجا انجام داده است جلب کنم.

پس از سلام و احوالپرسی با حضار کلیسا، او دعایی خواند که من آن را دعایی نفس گیر می نامم: متبارک باد خداوندی که ما را با هر نعمت معنوی برکت داده است، زیرا او ما را برگزیده است. او ما را نجات داده است.

او ما را مُهر کرد. و وقتی این کار را تمام کردیم، حالا او وقتش را برای نوشتن می گذارد. و سپس مکثی کرد و گفت، از وقتی که از ایمان شما به خداوند عیسی و عشق شما به مقدسین شنیدم، از دعا برای شما دست نکشیده ام.

اما برای اینکه مطمئن نباشند، او به آنها می گوید که برای چه چیزی دعا می کند. بله، او دعا می کند که آنها روشن شوند. آنها روشن شوند و دانش کسب کنند.

به آنچه اینجا اتفاق می افتد توجه کنید. دعای او مستقیماً به این موضوع می پردازد که چگونه خداوند طرز فکر آنها را تغییر می دهد و این تغییر چگونه بر بقیه زندگی مسیحی آنها تأثیر می گذارد. تاب آوری فقط به این معنی نیست که من چه احساسی دارم.

اینکه من چه احساسی دارم مهم است. در واقع، پولس یکی از اولین کسانی است که در مورد احساس من صحبت می کند، مثلاً وقتی در فیلیپیان می گوید شاد باشید. و باز هم، من می گویم شاد باشید.

اما این نیز درست است که پولس قاطعانه می گوید دانشی که فرد در مسیح دارد، تأثیر زیادی بر نحوه زندگی او به عنوان مسیحی دارد. چه در مورد احساساتش، چه در مورد چگونگی پر شدنش از تاریکی یا نور، چه در مورد نحوه رفتارش در یک جامعه مسیحی، یا در مورد نحوه رفتارش در جامعه وسیع تر. دانش مهم است.

اما او آنها را به عنوان دانشی که با خواندن کتابهای زیاد به دست می آید، قرار نداد. بلکه این دانشی است که با تلاش برای شناخت مسیح و جذب قدرت الهی روح القدس برای توانایی انجام این کار به دست می آید. پولس پس از این دعا، برای آنها دعا کرد که عظمت بی نظیر قدرت خدا، قدرتی که عیسی را از مردگان برخیزانید، را درک کنند.

این جلسه را با جلب توجه شما به این نکته به پایان می برم که پولس فصل دوم را چگونه آغاز خواهد کرد تا، وقتی برگردیم، دیگر به فصل دوم با دقت نگاه نکنیم. او فصل دوم را اینگونه آغاز خواهد کرد. و شما، جمع در گناهان و خطاهایی که زمانی در آنها گام برمی داشتید، مرده بودید، در مسیر این جهان، در پیروی از رئیس قدرت هوا، روحی که اکنون به معنای نافرمانی عمل می کند، در میان آنها که همگی زمانی در هوسهای نفسانی خود زندگی می کردیم، خواسته های جسم و ذهن را انجام می دادیم، و مانند بقیه بشر، ذاتاً فرزندان خشم بودیم.

اما خدا، که در رحمت و بخشش، به خاطر محبت عظیمی که به ما داشت، غنی است، حتی زمانی که ما در گناهان خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد. از راه فیض، شما نجات یافته اید. و ما را با او برخیزانید و در جای های آسمانی با مسیح عیسی نشانید.

زیرا از راه فیض و ایمان نجات یافته اید. و این کار شما نیست، بلکه موهبت خداست، نه نتیجه ای اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد.

زیرا ما ساخته ای دست او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو، که خدا از قبل مهیا کرد. تا ما در آنها سلوک کنیم. وای. به فیض، ما نجات یافته ایم.

و این اتفاق است که افتاد. وقتی برگردیم و در مورد این موضوع صحبت کنیم، متوجه خواهید شد که ما که مرده بودیم، ما که بی‌جان بودیم، به عبارت دیگر، به دلیل گناهان و خطاهایمان نتوانستیم از جوهره واقعی زندگی به طور کامل بهره‌مند شویم، قدرت عظیمی که در مسیح در کار بود، در واقع، عظمت بی‌نظیر قدرت خدا که در مسیح در کار بود، سهم ما خواهد بود. و این ما را قادر می‌سازد تا به لطف خدا زنده شویم و با مسیح بنشینیم.

اما نباید به این نتیجه فخر کنیم. بیایید درک کنیم که به لطف خدا نجات یافته‌ایم. این فکر را در ذهن خود پرورش دهیم که به لطف خدا نجات یافته‌ایم.

و شاید دلیلی برای شکرگزاری از خدا به خاطر لطفش پیدا کنید، زیرا وقتی برگردیم، غنای لطف خدا را درک خواهید کرد، لطفی که گناهکارانی مثل من و شما را نجات می‌دهد. مجدداً از شما بابت مطالعه با ما متشکرم. و امیدوارم این مطالعات برای شما مفید باشد.

و همچنین امیدوارم که حتی پس از دنبال کردن سخنرانی‌ها، برای برداشتن کتاب مقدس خود، خواندن این آزمون و کاوش در آن وقت بگذارید، زیرا این سخنرانی‌ها تازه شروع کار هستند. اکنون که این اطلاعات را دارید، هنگام بررسی آزمون، با انواع چیزها روبرو خواهید شد. و دعا می‌کنم که خداوند به شما کمک کند تا او را بشناسید و عظمت این قدرت را که در مسیح کار می‌کند و در دسترس ما به عنوان ایمانداران به مسیح است، درک کنید.

خدا شما را حفظ کند. و مشتاقانه منتظر ادامه این مطالعات با شما هستم. متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۲۱، دعا برای کلیسای وفادار، افسسیان ۱:۱۵-۲۳ است.